روایتِ واژه‌های بیگانه در کتابِ *ردِّ آبیِ روایت*

بهرام انجم‌روز
دانش‌آموختهٔ مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه خوارزمی

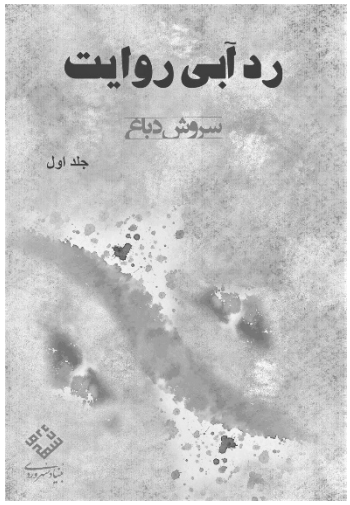

کتاب *ردّ آبی روایت*، مجموعه‌ای است از مقاله‌ها و مصاحبه‌های دکتر سروش دباغ که در دو جلد و در ۱۳۹۹ ازسوی نشر بنیاد سهروردی در کشور کانادا به چاپ رسیده است. موضوع نوشتار حاضر به‌کارگیری واژه‌ها و اصطلاحات غیرفارسی در این متنِ فارسی است. این اصطلاحات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دستهٔ اول: این دسته شامل گروهی از واژه‌ها و اصطلاح‌های بیگانه است، ازجمله اسامی مکاتبِ فکری، که به‌خاطر بین‌المللی‌شدن به زبان فارسی راه یافته و به‌اصطلاح جاافتاده‌اند. کاربرد این قبیل واژگان امری متداول و رواست و نهادهای واژه‌گزین هم اصراری بر یافتن معادل فارسی برای آنها ندارند. برابرِ اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی «یافتن معادل برای آن دسته از واژه‌های بیگانه که جنبهٔ جهانی و بین‌المللی یافته‌اند ضروری نیست.» (واژه‌های مصوب فرهنگستان(٤: ١٣٧٦)

نمونه‌هایی از کتاب *ردّ آبی روایت:* «نهیلیسم»؛ (ص۲٤۳،ج۱)؛ «سکولاریزم» شیعی (ص۱۷، ج۲)؛ «اگزیستانسیل» (به‌کرّات در هر دو جلد)؛ «فمینیسمِ» اسلامی (ص۱۰۸، ج۲)؛ «فیزیولوژیِ»زنان (ص۱۰۹،ج۲).

دستهٔ دوم: این دسته شامل کلمه‌هایی است که نویسنده واژهٔ بیگانه را به همراه معادل فارسی آن یا با توضیحی کوتاه آورده است. مولّف این قبیل واژه‌ها را به دو طریق آورده:

الف: آوردنِ عینِ واژه بیگانه با حروف زبان اصلی درکنار برابرنهادهٔ فارسی:

- یکی از مفاهیمی که در مباحث فلسفی جدید سربرآورده است مفهوم narration یا روایت است. این مفهوم در روان‌درمانی هم ریزش کرده است. بر همین سیاق narrative therapy یا روایت‌درمانی، هم یکی از متدهایی است... (ص۲٦۳، ج۱).
- خدایی که واضع قواعد است نه واضع پدیده‌ها، خدای rules ، نه events ؛ (ص۳۱،ج۲).
- هرچند از مفهوم «تنهایی معنوی» استفاده کردم، اما توجهی به دوگانهٔ solitude و loneliness نداشتم. بعداً که فکر کردم در فارسی «تنهایی معنوی» معادل اولی است، در مقابل «تنهایی تلخ» که معادل دومی است. (ص۱۰۰، ج۲).
- بسته به تصویر و تلقی‌ای که ما از امر متعالی داریم که از آن به transcendent تعبیر می‌شود، می‌توانیم سخن گفتن با او را توضیح دهیم (ص۲۳٤، ج۱).
- مسلماتِ هستی به روایت او عبارت است از مقولهٔ آزادی و مسئولیت Responsibility and Freedom (ص۲٤۲، ج۱).

ب: آوردن صورتِ فارسی‌شدهٔ واژهٔ بیگانه در کنار معادل یا توضیحی کوتاه:

- پرسپکتیوها و منظرها، (ص۷۷، ج۲).
- صرف توجه به پولیس و آنچه در شهر می‌گذرد (ص۹۸، ج۲).
- و اگالیتاریانیزم حقوقی جا بیفتد، حقوق برابر میان زنان و مردان نهادینه شود و نگاه ابژهٔ جنسی‌محور به محاق برود، آن‌وقت مجال برای طرح بحث‌هایی که با جنسیت و جندر و سکچوآلیتی در حوزهٔ زنان است، بازتر می‌شود (ص۱۱۰، ج۲).

دستهٔ سوم: واژه‌هایی هستند که به تعبیر طلبگی، محلِّ نزاع این نوشتار محسوب می‌شوند. مؤلّف، در برخی موارد عیناً واژهٔ بیگانه را در متنِ کتابِ فارسی، بدون ترجمهٔ آن، آورده است. به نظر می رسد که اگر نویسنده چاره‌ای جز به‌کاربردن واژهٔ بیگانه نداشته باشد و برابرنهاده‌ای در زبان فارسی نیابد، باز هم روا نیست که خواننده را با واژهٔ بیگانه رها کند و بهتر است که دستِ‌کم با عبارت یا عبارت‌هایی کوتاه، مطلب را برای خواننده‌اش روشن نماید. مؤلف دربارهٔ این دسته از اصطلاحات هم به دو طریق عمل کرده است:

الف: آوردنِ عینِ واژهٔ بیگانه با حروف زبان اصلی :

- به قول فیلسوفان اگزیستانسیالیست Full humanity را می‌توانم تحقق ببخشم.
- (ص۲۴۳، ج۱) /**انسان‌گرایی تام**

- اینها آن Inhibitor هایی است که ما را به‌عنوان موجودات اجتماعی پیش می‌برد.
- (ص۱۱۳، ج۱) / **بازدارنده**

- یک توضیح دیگری هم خانم فاطمه مرنیسی داده است که کاملاً power base
- این را تبیین کرده است. (ص۱۸٤،ج۱) /**منشاء**

- این یک analysis base power بود که در واقع پیامبر نگاهی به آیندهٔ امت داشت و به این کار مبادرت ورزید. (ص۱۸۵، ج۱) / **بررسی و کندوکاو ریشه‌ای**

- با لحاظ‌کردن ملاک و معیارهای موجود scientific وscience empirical، من مطالعات انجام شدهٔ روش‌مندی در این زمینه ندیده‌ام [...] اما من موارد و شواهدی که در قالب مقالات علمی به‌اصطلاح peer-review طرح شده باشند، ندیده‌ام. (ص٦۳ و ٦٤ ج۲) / **علمی و تجربی... به تأیید همه‌جانبه رسیده باشد.**

ب: آوردنِ صورتِ فارسی‌شدهٔ واژهٔ بیگانه:

- یعنی نه روغن بادام و نه سرکه انگبین از پیش خود ماهیتی ندارند. **اسنسی** ندارند.
- (ص۲٤۵، ج۱) / **جوهر**

- به قول روانشناسان و روانپزشکان **لُب فرونتال** مغزشان کاملاً پیچیده می‌شود.
- (ص۲٤۷ جلد۱) / **پیشانی مغز**

- تفقّه در دین یک امر جمعی است و شامل **دیسیپلین‌ها** و علومی مثل کلام، تفسیر، عرفان و فلسفه هم میشود. (ص۲٦۷، ج۱) / **شاخه‌های علمی**

- قریب دو سال است که با **سایکولوژی** مأنوسم. (ص٥٦ جلد۲) / **روان‌شناسی** از این نگاه این مضامین هم **اِلمان** اگزیستانسیل دارد (ص۲۷٤، ج۱) /**نشانه‌ها**

- حالا می‌خواهم بگویم این یک **فانکشن** دیانت است. (ص۲۰۲، ج۱) /**کارکرد**
- ذهن‌های بسیط به سن و سال **بایولوژیک** نیست. کسی ممکن است پنجاه سالش باشد، ذهنش بسیط باشد. دنیا را **مجیکال** می‌بیند. (ص۲۲۳، ج۱) / **زیستی / جادویی**

- یا به **مکانیزم** استجابت دعا شک می‌کند. (ص۲۱٤، ج۱). **سازوکار**

- **کانتکسی** که در آن آمده است را مدنظر قرار داد. (ص۲۲٦، ج۱) / **زمینه و زمانه**

- برایم نوشته بود که من مسلمان **پارت‌تایم** هستم (ص۱۱۹، ج۲) / **پاره‌وقت**
- عمر انسان **هموساپینس** بر روی کرهٔ زمین ... (ص۳۱، ج۲) /**اندیشه‌ورز**
- عصیانگری که در وی بود، معلول پرداختن وی به **پولیس** بود، (ص۹۸، ج۲) /**حقوق شهروندی**
- یا می‌گوید شکاک هستم یا می‌گوید اصلاً **آتئیست** هستم. (ص۱۲۲، ج۲) /**خداناباور**
- اموری که **تابو** هستند و سخن گفتن از آنها **در پابلیک** سخت می‌نماید. (ص۱۱۰، ج۲) / **نهی‌شده... در میان جمع (در ملاء عام)**

از آنجا که برایِ شمار زیادی از واژه‌های بیگانه، برابرهایِ فارسی وضع شده است به نظر می‌رسد که برعهدهٔ ویراستار متخصص است که، در صورت نادیده‌ماندنِ موضوع از نگاه نویسنده، در تنظیم و پیراسته‌کردن متن و همچنین در تبدیل گفتار و سخنرانی‌ها به نوشتار، از برابرنهاده‌های فارسی (به‌ویژه در برابر واژه‌های نامتداول و نامأنوس) بهره گیرد و در صورت لزوم اصلِ واژه یا اصطلاحِ غیرفارسی را هم در داخل دو کمان (پرانتز) یا پی‌نوشت بیاورد. در این صورت، بدون کاسته‌شدن از بار معنایی خاصّ واژه یا اصطلاح، متنی فارسی و پیراسته‌شده به همراه اصل واژهٔ بیگانهٔ مدّنظر در مقابل دیدگانِ مخاطب قرار می‌گیرد.